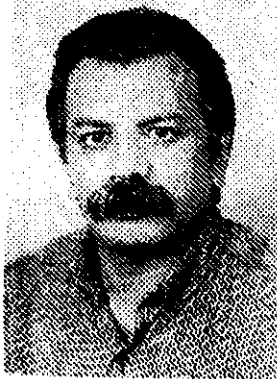


آدونیس (علی احمد سعید)

ترجمه: عبدالحسین فرزاد



آدونیس (علی احمد سعید)، شاعر توانا و متعهد معاصر عرب است. او متفکر و فیلسوفی انسانگرا و خردمحور است. آدونیس سخت به شاملو شبیه است و شعرش را فضای بسیار مناسبی برای اندیشیدن قرار داده است. آدونیس همواره نگران سرنوشت انسان است. او حتی هنگامی که کاملاً عربی است، در عین حال پیوندی عمیق با انسان غیرعربی دارد. مخاطب او در اشعارش انسان معاصر است. اگر مرا مختار کنند که از شاعران معاصر جهان، کسانی را برگزینم که با شعرشان زندگی کنم، بیالم یکی از این شاعران آدونیس است، در کنار لورکای محبوبم.

با سه تن از دوستان فرانسوی ام، در قهوه‌خانه دوماگو، در پاریس گردهم بودیم و از هر دری سخن می‌گفتیم: از وضع پریشان فرهنگ کنونی فرانسه، نویسندگان چپ‌گرایی که حالا به جناح راست، متمایل شده‌اند، از انتقاد کینه توزانه‌ای که این روزها نسبت به اسلام و مسلمانان و عرب‌ها مطرح است، از نقشی که جهان انتظار دارد، عرب‌ها امروزه در این مرحله تاریخی، آن را ایفا کنند، در مرحله یورش به آنها - چه به صورت جنگ و چه به صورت استعماری دیگرگونه یا تفتیش که از فلسطین آغاز شده و اینک به عراق ختم می‌گردد.

این سه دوست خصوصی من که یکی شاعر، دیگری رمان‌نویس و سومی متفکر بود، هر سه دوستدار اعراب و مسایل عمومی آنها هستند. ما حرف‌های زیادی زدیم. نقل این حرف‌ها برای من آسان نیست زیرا من راوی بیطرفی نیستم بنابراین پیش از بیان سخنان آنان، مقدمه‌ای ذکر

کردم.»

شاعر:

— «به گمان من همه چیز آماده و مهیاست که در این روزگار عرب‌ها یگانه نقش خود را نه تنها در سطح سرزمین‌های خودشان بلکه در سطح جهانی، ایفا کنند.

همه چیز آنان برای اتحاد و اشتراک انسانی متنوع و گاما است: گذشته، میراث، قدرت انسانی، موقعیت استراتژیک، ثروت‌های مادی، داشتن فرهنگ منحصر به فرد متنوع و غنی، ویژگی شکوفایی مدنی و میل تاریخی آنان به صلح و همزیستی...

این‌ها ماده‌ی عظیم شایستگی اعراب است که به آنان این توان را می‌دهد تا برای ایفای نقش خود به پا خیزند.

به راستی چرا اعراب بر نمی‌خیزند؟ چرا دست کم در این جهت حرکت نمی‌کنند؟ چه چیزی مانع آنان است؟ سلطه‌ی خارجی یا سلطه‌ی داخلی؟ یا هر دو با هم؟ یا در اینجا عوامل دیگری وجود دارد که ما نمی‌دانیم؟»

رمان‌نویس:

— «گفته‌ی تو، به عنوان شروع درست است، اما صرف وجود این «ماده» با عالی، غنی و متنوع بودنش، برای قیام جهت چنین نقشی کافی نیست. «ماده» هر طور که باشد، عاملی قاطع نیست. زیرا آن عامل قاطع خود انسان است، انسان آزاده، ناظر و با اراده. با استناد به آنچه من درباره‌ی اعراب و اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آنان مطالعه می‌کنم، با تأسف باید بگویم که این انسان (انسان عربی) غایب است. یا لاقط برای من بی‌آنکه ادعای شناخت گاما آنها را داشته باشم، این طور به نظر می‌رسد.

در این صورت مسأله، صرف وجود «ماده» نیست، بی‌تردید آنچه مهم‌تر است عدم حضور انسان توانمندی است که این ماده را در راه پیشرفت و ارتقاء به کار گیرد.

آنچه من بر آن پای می‌فشارم این است که از عرب‌ها بپرسیم: چرا این «انسان» در سرزمین‌های شما غایب است؟»

متفکر:

— «بنابر آنچه من می‌خوانم و می‌بینم، چه از طریق نظری و چه تجربه، بر این باورم که با تأمل در وضعیت کنونی اعراب از دیدگاه سیاسی، اقتصادی و روابط آنان با دیگران، روشن می‌شود که اعراب از نگرش به خویشتن، خودداری می‌کنند، همچنین ما از خارج به آنها می‌نگریم که دارای فرهنگ و سیاستی واحد هستند، در حالی که آنان برعکس، غرق در نگرش به خویشتن هستند



● آدونیس (علی احمد سعید)

اما به صورت گروه‌ها و دسته‌جات و مصالحی که ما نمی‌توانیم در آن از سوی اعراب نگرشی یگانه نسبت به اکنون، آینده و یا پیوندهای آنان با دیگران، احساس کنیم. به گمان من علی رغم مظاهر همبستگی و بلاغت زبانی «تفرقه» نخستین نشانه وضعیت کنونی اعراب است. ممکن است این تفرقه عمودی باشد که از حدود تنوع و تعدد هم می‌گذرد تا به تفرقه سرزمین‌ها و هویت‌ها منتهی گردد.

من از آن بیم دارم که این تفرقه تا آنجا امتداد یابد که همچون برخی مراحل تاریخی عرب، آن‌ها در برابر یکدیگر چون بیگانه بایستند: در خلال جنگ‌های مغول، در جنگ‌های بیزانس در اندلس عزیز با سمبولیسم مدنیته که برای آدونیس و همه ما دارد، در خلال جنگ‌های صلیبی، در فترت استعمار عثمانی‌ها - جاهایی که این تفرقه به صورت رکود، شکست و پراکندگی تجسد یافت. هان اینک اعراب، در برابر پروژه جنگ آمریکا علیه عراق، گرفتار سرگردانی و پریشانی‌اند، حالتی که در آن، هر روز این جنگ برابر با سیاست اسرائیل، در فلسطین، اجرا می‌شود.

ما که دوستان عرب‌ها در خارج و یا دوستان خارجی آن‌ها هستیم نمی‌توانیم این وضعیت را تفسیر کنیم، در حالی که می‌بینیم در میان کشورهای مختلف که قومیت‌ها و زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگونی (مانند کشورهای اروپایی) دارند، پیوند و اتحاد و همبستگی کامل وجود دارد. این همبستگی بیش از آن چیزی است که ما در کشورهای عربی می‌بینیم علی‌رغم رشته‌های پیوند،

همبستگی، تقارب و وحدتی که در میان اعراب وجود دارد.

غریب‌ترین چیز این است که این تفرقه همچون عایقی میان خود عرب‌ها و ذات آنان، میان واقعیت و سرنوشت آنان قرار گرفته و آنان را از اعمال و مسئولیت‌هایشان باز می‌دارد. این عایق و مانع به زبانی ویژه بدل می‌شود که کارش، صرف نظر از خود و همه عواقب آن و افکندن آن به عهده دیگری - بیگانه و دشمن استعمارگر است.

بدین ترتیب، عرب‌ها خودشان از خودشان می‌ترسند، به خود نمی‌آیند تا در باب دستاوردهای خود و اعمال بیگانگان بر ضد حیات و سرنوشت، خود بیندیشند. بدین ترتیب خطا همیشه خطای دیگری - بیگانه - می‌گردد.

بعید نیست که صرف نظر از نگرش به خویشتن، در میان اعراب به قاعده‌ای برای نگرش و عمل، بدل شود.

اما کسی که خودش را نمی‌بیند چگونه می‌تواند نگرشی در باب دیگری داشته باشد؟ کسی که برای خویشتن و به دیگری نگرشی ندارد، چگونه می‌تواند در جهان حضور داشته باشد و یا در ساختن خود، نقشی ایفا کند؟

این عدم خویشتن بینی، مهم‌ترین مسأله است و مانع و رادع در همین موضوع است: امتناعی ذاتی در شناخت، و خودداری ساختگی از رسیدن به آن.

بنابر تحلیل‌های ما، که براساس خوانده‌ها و شنیده‌های ماست، وجود سانسور، بنیادی فرهنگی در برخی کشورهای عربی است. از آنجایی که ممانعت و سانسور در این چارچوب، نوعی کشتن معرفت و آگاهی است، بنابراین اعتیاد به کشتن معرفت، اعتیاد به کشتن انسان و اعتیاد به گمراه کردن او را آسان‌تر می‌کند، انسانی که او خود، تعریف و معرفت است.

از این که سختم به درازا کشید پرورش می‌خواهم. اجازه بدهید گفتارم را با این پرسش به پایان برم که: چرا عرب خودش را از خودش پنهان می‌کند؟

شاعر:

«دوست دارم به بحث نقش مورد انتظار ما از اعراب برگردم، علی‌رغم همه چیز - از آنچه از بعضی قسمت‌های گفتگوی ما روشن شد، به ویژه در آنچه به زمانی که در آن هستیم، وابسته است، لحظه نابودی توازن بین‌المللی. بی‌گمان عرب‌ها با همکاری برخی کشورهای اروپایی، می‌توانند نخستین نقش را در بازگرداندن این توازن، ایفا کنند. آنان می‌توانند سهمی اساسی در تکوین قطب دیگر، برای محدود کردن قطب اول امروز (ایالات متحده آمریکا) از سرکشی باشند. و این امر در چارچوب قانونی بین‌المللی و حقوق بشر و در چارچوب تلاش برای ایجاد

نظام بین‌المللی جدیدی امکان‌پذیر است.»

هنگامی که جلسه من و دوستانم به اینجا رسید، شاعر با اصرار از من پرسید:
«احساس تو که اخبار جریان‌ها و مسایل اعراب را به اسم عرب می‌خوانی چیست؟»

من به او چنین پاسخ دادم:

«من چنین احساس می‌کنم که، بی‌گمان در آنچه در سرزمین‌های عربی و به اسم عرب جریان دارد، «ماده» ای اساسی از «مواد» تحولات بزرگ - اگر نگریم نخستین «ماده» در قرن بیست و یکم - وجود دارد.»



بنیاد انجمن نوازندگان و آهنگسازان ملی ایران
N A C F

برنامه‌های واحد موسیقی نیمه اول سال ۱۳۸۲

تاریخ	گروه موسیقی	نام برنامه
۲۴، ۲۵، ۲۶ اردیبهشت	حاج فریدان و علیرضا سلیمانی علی غلامر شایسی، سهراب محمدی سیدنا صریح‌گاری، طاهر یار و یسی و ...	موسیقی نواحی ایران (جشنواره متنو و روتار)
۱۴ خرداد	دلبر حکیم‌اوا	موسیقی کلاسیک (رستال پیانو)
۱۷، ۱۸، ۱۹ خرداد	گروه مخفیا سرپرست: پری ملکی	کنسرتویز میانون (گروه مخفیا)
۲۲، ۲۳ خرداد	فریدون ناصحی	موسیقی کلاسیک (رستال پیانو)
۲۲، ۲۵ خرداد	رافائل مینا سکاکیان اولافا شهپتس (آلمان)	موسیقی کلاسیک (نوکت پیانو و ویلن)
۳۱ خرداد و ۱ تیر	گروه مجاز از فرانسه	روز ملی موسیقی فرانسه (فضای یاز)
۶، ۷، ۸ تیر	در حمایت از کودکان عراقی	کنسرتگرو مروسی (موسیقی تلفیقی) فضای یاز
۲ و ۳ مرداد	سرپرست: مسعود شعاری	موسیقی دستگامی ایران (گروه متوازی)
۲۳ و ۲۴ مرداد		کنسرتهای جاز از چند کشور اروپایی (فضای یاز)
۳۰ و ۳۱ مرداد	تریوی پیانو، ویلن و ویولنسل	موسیقی کلاسیک (تریوی پیانو، مونیک، گرجستان)
۶، ۵ شهریور	حسین حمیدی	کنسرتپژوهشی سازشناسی (سازهای زهی)
۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ شهریور	ایران، آلمان، آکراین، یونان، هند، چین و ...	هفته جهانی سننور
۱۸، ۱۹ شهریور	سرپرست: امید ملکوتی	موسیقی مقامی (گروه مرغوان)

* هرگونه تغییر احتمالی در جدول برنامه سالیانه از طریق روابط عمومی بنیاد آفرینشهای هنری نیاوران اعلام خواهد شد.

* جهت تهیه بلیط بارز و بلیط پرنامه با گیشه دفتر هنکسر ابا بشمارهای (داخلی ۲۳۰) - ۲۸۰۳۳۴۱، ۲۲۸۷۰۸۱ تماس حاصل فرمائید.